

توپ در زمین امریکاست

یادداشت سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه در نشریه واشنگتن پست

♦ در هفته‌های اخیر، مجموعه‌ای از نامه‌ها و پیام‌ها میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا رد و بدل شده است. برخلاف برخی تفسیرهای سطحی، این ارتباطات — دست‌کم از سوی ما — نه نمادین بوده‌اند و نه تشریفاتی. ما آن‌ها را تلاشی واقعی برای شفاف‌سازی مواضع و گشودن پنجره‌ای به سوی دیپلماسی تلقی می‌کنیم.

♦ با توجه به اظهارات روز دوشنبه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، ایران آماده است با جدیت وارد تعامل شود و با هدف دستیابی به یک توافق وارد گفت‌وگو شود. ما روز شنبه در عمان برای مذاکرات غیرمستقیم دیدار خواهیم کرد. این دیدار به همان اندازه که یک فرصت است، یک آزمون نیز هست.

♦ مدلی که ما برای این تعامل پیشنهاد می‌دهیم، نوآورانه یا بی‌سابقه نیست. ایالات متحده خود در حال میانجی‌گری مذاکرات غیرمستقیم میان روسیه و اوکراین است — مناقشه‌ای به مراتب شدیدتر و پیچیده‌تر که ابعاد راهبردی، سرزمینی، نظامی، امنیتی و اقتصادی را در بر می‌گیرد.

♦ من شخصاً نیز تجربه‌ی هدایت مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده را داشته‌ام. این روند که در سال ۲۰۲۱ با میانجی‌گری اتحادیه اروپا انجام شد، هرچند پیچیده‌تر و دشوارتر از مذاکره‌ی مستقیم بود، اما هم امکان‌پذیر و هم ثمربخش بود. گرچه آن زمان به خط پایان نرسیدیم، اما دلیل اصلی آن، نبود اراده‌ی واقعی از سوی دولت جو بایدن بود.

♦ پیگیری مذاکرات غیرمستقیم نه یک تاکتیک است و نه بازتاب یک گرایش ایدئولوژیک، بلکه انتخابی راهبردی است که بر پایه‌ی تجربه اتخاذ شده است. ما با دیواری بزرگ از بی‌اعتمادی مواجه هستیم و نسبت به صداقت نیت‌ها تردیدهای جدی داریم؛ تردیدهایی که با اصرار ایالات متحده بر از سرگیری سیاست «فشار حداکثری» پیش از هرگونه تعامل دیپلماتیک، تشدید شده‌اند.

♦ برای حرکت به سوی آینده، ابتدا باید به درک مشترکی از این واقعیت برسیم که: به‌طور اصولی، چیزی به‌نام «گزینه نظامی» وجود ندارد، چه رسد به «راه‌حل نظامی». رئیس‌جمهور ترامپ نیز با

توصیه به آتش بس به عنوان نخستین گام برای پایان دادن به جنگ اوکراین، به روشنی به این واقعیت اذعان کرده است.

◆ هزینه کردن منابع مالیات دهندگان آمریکایی برای تشدید حضور نظامی ایالات متحده در منطقه‌ی ما — حضوری که می‌تواند جان سربازان آمریکایی را هزاران کیلومتر دورتر از خاک‌شان به خطر بیندازد — نه تنها به نتیجه‌ی دیپلماتیک منتهی نمی‌شود، بلکه مانعی برای آن است. ملت سرافراز ایران، که دولت من در زمینه‌ی بازدارندگی واقعی بر قدرت آنان تکیه دارد، هرگز تحمیل و اجبار را نخواهد پذیرفت.

◆ ما نمی‌توانیم تصور کنیم که رئیس‌جمهور ترامپ بخواهد به یکی دیگر از رؤسای‌جمهور ایالات متحده بدل شود که درگیر جنگی فاجعه‌بار در خاورمیانه شده است؛ جنگی که به سراسر منطقه گسترش خواهد یافت و هزینه‌ای به مراتب فراتر از هفت تریلیون دلار از مالیات مردم آمریکا خواهد داشت — هزینه‌ای که دولت‌های پیشین آمریکا در افغانستان و عراق بر باد دادند.

◆ با نگاهی به آینده، دو نکته‌ی اساسی شایسته‌ی تأکید است.

نخست آن‌که، ممکن است رئیس‌جمهور ترامپ علاقه‌ای به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نداشته باشد، اما این توافق حاوی یک تعهد کلیدی است که در آن آمده است: «ایران بار دیگر تأکید می‌کند که هیچگاه و تحت هیچ شرایطی به دنبال جستجو، تولید و یا به دست آوردن سلاح هسته‌ای نخواهد بود».

(بند iii از «مقدمه و مفاد کلی» برجام)

ده سال پس از انعقاد برجام — و نزدیک به هفت سال پس از آنکه ایالات متحده به طور یک‌جانبه از این توافق خارج شد — هیچ‌گونه مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران این تعهد را نقض کرده است.

◆ این موضوع بارها و بارها در ارزیابی‌های نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده مورد تأیید قرار گرفته است.

تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، اخیراً تصریح کرده است که: «ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و رهبر معظم [آیت‌الله علی خامنه‌ای] برنامه تسلیحات هسته‌ای را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده بود، مجدداً فعال نکرده است».

◆ ما نسبت به بسیاری از جنبه‌های سیاست جهانی آمریکا، و به‌ویژه سیاست‌های غرب در منطقه خود، از جمله استانداردهای دوگانه در حوزه اشاعه تسلیحات، انتقادهای و گلایه‌های جدی داریم. به همین ترتیب، ممکن است برخی نگرانی‌ها نیز درباره برنامه هسته‌ای ما وجود داشته باشد. ما زمانی که در سال ۲۰۱۵ به توافق برجام پیوستیم، آمادگی خود را برای پاسخ‌گویی به این نگرانی‌ها اثبات کردیم — توافقی که از موضعی برابر و مبتنی بر احترام متقابل شکل گرفت.

◆ اما با وجود آن که هنوز به چارچوب برجام پایبند مانده‌ایم، تجربه‌ی ما از عدم تمایل یا ناتوانی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در انجام تعهدات‌شان در چارچوب این توافق هسته‌ای، بسیاری را در ایران به این نتیجه رسانده که حصول هر توافق جدید، مستلزم دریافت تضمین‌هایی برای اجرای متقابل تعهدات است.

◆ دوم، یک سوءبرداشت جدی وجود دارد که باید برطرف شود. بسیاری در واشنگتن، ایران را از منظر اقتصادی کشوری بسته تصویر می‌کنند. اما واقعیت آن است که ایران به‌طور کامل برای حضور فعال شرکت‌ها و کسب‌وکارهای بین‌المللی باز است. این محدودیت‌ها، نه از جانب ایران، بلکه از سوی دولت‌های ایالات متحده و موانع تحمیل‌شده توسط کنگره بوده‌اند که شرکت‌های آمریکایی را از ورود به بازار ایران — بازاری با فرصت‌هاییدر مقیاس تریلیون دلاری — باز داشته‌اند.

◆ در حقیقت، زمانی که آمریکا در چارچوب برجام مجوز فروش هواپیماهای مسافربری را صادر کرد، ایران بلافاصله برای خرید بیش از ۸۰ فروند هواپیما با شرکت بوئینگ وارد مذاکره و عقد قرارداد شد. گفتن اینکه فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران بی‌نظیر است، حق مطلب را ادا نمی‌کند.

◆ پیشنهاد ما برای آغاز مذاکرات غیرمستقیم همچنان روی میز قرار دارد. ما بر این باوریم که اگر اراده‌ی واقعی وجود داشته باشد، همواره راهی برای پیشرفت هست. همان‌طور که تجربه‌های اخیر نشان داده‌اند، دیپلماسی در گذشته نتیجه‌بخش بوده و همچنان می‌تواند مؤثر باشد. ما آماده‌ایم نیت صلح‌آمیز خود را شفاف کنیم و برای رفع هرگونه نگرانی منطقی، اقدامات لازم را انجام دهیم.

◆ در مقابل، ایالات متحده می‌تواند

جدیت خود را در مسیر دیپلماسی با پایبندی واقعی به توافقی که امضا می‌کند نشان دهد. اگر به ما احترام گذاشته شود، ما نیز با احترام پاسخ خواهیم داد.

◆ اما افزایش حضور نظامی پیام کاملاً متضادی ارسال می‌کند. این سخن من را به یاد داشته باشید: ایران دیپلماسی را ترجیح می‌دهد، اما به‌خوبی می‌داند چگونه از خود دفاع کند. ما نه در گذشته در برابر تهدیدها تسلیم شده‌ایم، و نه اکنون و نه در آینده تسلیم خواهیم شد. ما خواهان صلح هستیم، اما هرگز تسلیم را نمی‌پذیریم.

◆ اکنون توپ در زمین آمریکاست. اگر آمریکا به دنبال راه‌حل دیپلماتیک واقعی است، ما مسیر آن را پیش‌تر نشان داده‌ایم. اما اگر هدفش تحمیل اراده از طریق فشار باشد، باید بداند: ملت ایران در برابر زبان زور و تهدید، متحدانه و قاطع واکنش نشان می‌دهد. اکنون فرصتی وجود دارد تا ایالات متحده سرانجام یک «رئیس جمهور صلح» داشته باشد. این‌که آیا این فرصت را مغتنم می‌شمارد یا نه، انتخاب خود آنهاست.